

صفحه اول  
جلد پنجم  
شماره نوزدهم  
قیمت اشتراك  
۲ ماهه ماہیچ

# بخبرناختار

PAGE 1  
VOL V  
N° 19  
سال پنجم الرومیه  
ماه علاء شد

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل گوناگونی پیش و رو حدت ایجاب و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بجهاد الله در طول جهان و توفیق حقائق این درین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادراست قبول و نشر خواهد گردید

## بغیر اخبار استکبار افکن که در شماره هشتم چاپ شده

« گوش غایبم نهایش مثل شخص عبود میشود که  
بیار صاحب نفوذ و مکتب بود و در کوه های عکا که  
راه بیروت مردمی استادند با و احترام میبودند چه  
شدیم یا آنکه مثل میرزا آقاسی وزیر و ستار مملکتی گردیم  
چه نیجه بخشیدیم یا مانند شیخ مرتضی ریاست پنجاه ملیون  
شعبان رسیده است آریم کجاییم؟ بیاید تا همیشه ملا  
فتروذ ل خودمان را در نظر بگیریم به بنیم که هیچ اندر هم آنچه  
هست از فضل و عنایت اوست این را متقبل فکر کنیم که ما که هستیم  
و چه هستیم و قدر این مواهب بانی را بدانیم که در ظل او آرییم  
و از هر قسمی آزادییم امواج الطاف او ما را غرق کرده است خشم  
از این جهان عزت و الم و جنگ و جدال پوشیم و شاهانه جهان  
با امانتیم که سر را در سوراخ است فرج اندر فرج است و صلح  
از صلح است »

در سوختن دیگر بعد از تلاوت مناجات فرمودند  
« جمیع نامرغوبان جهان هستند و ما در جمیع و محافل خود  
در جوار نهاد ما اینها شیم و ملت عقوبت و عقوبت میکنیم امیدواریم  
است که جمیع این زنجیرها را بشکند و در میدان اخوت و  
یکانگی قرار میدهد یک زنجیر زنجیر حب وطن است یک زنجیر  
زنجیر حب جنس است یک زنجیر زنجیر تعالید و بنیه است  
یک زنجیر زنجیر سیاست است جمیع اعناق با این ملامت و اعلا  
مفید است لهذا با یکدیگر اقوام در نزاع و جدالند و بخورند  
مشغول اجاز یکدیگر بگیرند خون یکدیگر را میریزند اموال  
یکدیگر را تالان و تاراج میکنند خائنان یکدیگر را غارت میکنند  
موالک یکدیگر را و بران میمانند بنیان یکدیگر را بر میاندازند  
الحمد لله بفضل و عنایت جمالیات ما از جمیع این قبور

از ادبیم با هیچ نفسی نترس و جدا نمیگیریم با جمیع بشر هر دینیم  
و از برای کل فجاج و فلاح میطلبیم چه قدر وجدان و ضمیر ما  
از ادات چه قدر قلوب ما رجس است جمیع اینها از الخاف  
جمال مبارک

بانه از این عبارات که روشنتر از انوار آفتاب است معلوم میشود  
که بهایان را تکلیف چه و بر ما چگونه است و اگر چه قلب مبارک جهت  
بروز و ظهور این وقایع مؤلمه بسیار محزون است و هر وقت که در  
روضه مقدس حاضر میشوید جهت ساکنین جهان رجای نماید  
و توفیق مینماید و امیدوارم که بزودی هر چه تمامتر این ایام  
تخت از زهر بگذرد و روزگار شیرینتر از شکر چوب شود  
و لبر از درجه قلب بدر آید و اصحاب الهی در جمیع جهات  
نشوق و تحریر میفرمایند بکون و وقار و صبر و اصطبار  
و قیام بر خدمت عالم انسانی و منصف شدن بصفت  
الهی و دوری جستن از مشتهای نفس و احتراز نمودن  
از هر نفس اماره و مخلوق گردیدن باخلاق ملکوتی و ظهور  
همت خارق العاده در تالیف قلوب بعباد و رفع اعلام محبت و وداد  
و سر رسیدن انعام بلبلان جنت الهی و شکی در طریق خلوص و صفات  
از ادواج این صفات حقایق آثار روحانیت در عالم انسانی ظاهر  
گردد و کلمات معطر رحمت و شفقت در هر ارض ابارت شود چشمه  
اخوت آسمانی عویش و غروش آید و انهار راستی و دوستی جاری گردد  
خیمه بکونگ آشتی و صداقت معنوی بر اعلا ظل آفاق بلند شود  
و پرچم مدیثت آبی در هر مملکتی موج زیند شوی دیگر در سرها  
پیدا شود و افکار جدید در صفات جلالتم نشر گردد و روح  
صلح عمومی از گران تا گران را فرا گیرد . . . آشتی و وفایت  
از برای هر فردی از افراد هیئت جامعه معتبر گردد افق افکار  
با نور ملامت شمس حقیقت روشن و تابان شود و تاریکی  
جهل و بی انصافیه غیر آه زایل و نابود گردد . پس جهت  
تحقق این آمال و دزوقهای حضرت عبدالعلاء روح ما سهوا  
لا حظت علیه القداء ما بر این آلهی در این اوقات و در این زمان

باید چون کوه نادر کردند و در شرف ایام این امر بر سر دیو حجت  
 بخونید اگر رعایت او خواهند قیام بر خدمت امرش نمایند اگر  
 سرور او جویند در شرف ایام آنکه بگویند اگر حجت مزاجت  
 طلبند طیبهای حاذق نوع انسانی شوند اگر حجت او برسد  
 شب و روز در ارتفاع کلمت الله جانفشان نمایند پس اینست  
 سر و قلبه و کلام اینست یا عشتی حضرت حضرت عبد الباق  
 پس در این شاهراه مشی قائم و در این روضه عباده دایم الحمد  
 لله جمیع یاران این امین در قریب ابونان که نزدیک شهر عکا  
 است سالم و مسترح قلبشان از ناهجت الهی مشعل و سرور  
 از شانه حجت وجود مبارک منشخ حتی جمیع اهل بیت در آن  
 قریب ساکنند و تجید و بیخ بر بفرور شغول حضرت مولی  
 العزیز اغلب اوقات در عکا و گاه بیضا و یا ابونان  
 شریف دارند و در همیشه بلد عکا بر سائر جهات ترحیم داده  
 میدهند زیرا چهل سال عمل فی مجال مبارک و در آن سفر  
 بوده چنانچه بکرات و مراتب فرموده اند که در هیچ نقطه قلب  
 من راحت نمیکند مگر عکا علی الخصوص در همان اوقات که سالها  
 سال جمال مبارک شریف داشتند شبها که در بستر میخوابیدم  
 بظالم میآید آن بدایت عکا وقتی که وارد قشله شدم و در آن  
 و بیات که بر وجود مبارک وارد آمد و الوالی که در آن ایام  
 از قلم اعلی نازل گردید و خبرهایی که در آن فرموده بودند و بعد  
 وقوع این مسائل

و در موقع دیگر بنام سببی فرمودند : —

تا بحال در تاریخ عالم چنین وقایع اتفاق نیفتاده است  
 ولی در این حکمتهای بالضر است که بعد ظاهر خواهد شد  
 احبای الهی در این اوقات باید صبور و وقور باشند و در  
 نهایت سکون و وقار باشند ابد از هیچ امری جزع و فرج ننمایند  
 بدانند که در آن حکم مکتون است که بعد هویدا میشود  
 هر چه ابا حجت بیشتر فرام آید بیشتر از پیشتر سرور گردند  
 وقتی که در زمان سابق استبداد وارد قشله عکاشیم و صف  
 ندارد چه قدر سخت بود بعد از دخول جمیع از تب و نوب  
 مانند برگ درخت بر حیمت فقط کسی که ناخوش نبود  
 من و آقاها بودیم ابد کسی را نمیکذاشتند بیرون رود  
 تا آنکه بعد از مدتی اذن دادند که چهار نفر باضا بطیبه  
 میرفتند در بازار حیرتی میگردیدند و بدون اینکه با کسی  
 حجت کنند مراجعت میکردند که نفر از اجاب ده  
 یک شب فوت شد خواستیم جنازه اینها را بلند کنیم ایلی  
 نبود بعد سجاده زیر پای مبارک بود آن را برده بیکصد

و هفتاد قدم فرود خند آمدند گفتند که ممکن نیست  
 شاهراه جنازه بیرون بروید پول بدهید یا خودتان  
 کفن و دفن میکنیم بکشد و شققتش برای این کار  
 گرفتند و ایجاد مطهر آن نفس را بردند و در بیرون  
 دروازه گودالی کنندند و بدون هیچ کفن و دفنی زیر خاک  
 کردند و پول را در چپ خود گذاروند

حال الحمد لله زمان شروهت و اتحاد و ترقی  
 آمده الحمد لله عدالت و رحمت و حریت و امنیت  
 باید شکر نمود مقصود اینست که در آن زمان بلا یا و محن  
 و در ایام در نهایت سرور وجود بودیم " خلوصت  
 القول کرارا و مرارا احبای الهی را هزار بار صد بار  
 متبر بشاید بر فرج باد که مزاج هیکل بشاق در نهایت  
 سلامتی و قوت وجود حاصل و سر و قلب صواب و  
 در روز بهفات یا در ایام شغول و چون یوسف کنعان  
 در بازار جهانیان ظاهر و عیان و هر وقت که این باد  
 صرصر ساکن گردد و طوق سلامت و غابرات دوباره متوج  
 شود البته توجهات مبارک احبای دوسر را در هر یک گرد  
 الموح از مصدر امر صادر گردد و هر یک چون دست  
 غنچه معطر با طرف فرستاده شود و چشمهای بایان  
 این امین بشاهده وجود مسافرین منور گردد و عین  
 المسافرین از دیدار جمال بیثال طلعت پیمان روشن شود  
 بساط سرور جدیدی گشوده گردد و خوشگلهای گونا  
 گون در کجا از سما شیت نازل شود گریه گران  
 مانند روح سیر گردند و لب تشنگان ماء خلیب سیران  
 شوند و در آخر این عرض بر پیغام ذیل که از قم  
 مقدس برای بیات الهی صادر گشته مزین میباشد  
 حمد الحمد لله بعون و عنایت الهی محفوظ  
 و مصونیم همیشه بیا دشمنان شغول و شمار تاسیفات  
 آسمانی و ثبوت و رسوخ بر عبودیت آنا الهی تعظیم  
 و امید داریم که این انقلابات بین المللی بزودی زائل  
 گردد "

**ترقی دختران ایران**

لوح مبارک

طهران امیر الله میسر و کتور بودی امیر الاهی علیما ججا الله  
 هو الله

یا امة الاعلی : نامه فی که در خصوص مدرسه دختران

مرفوع نموده بودی از قرانتش دلهاشادمان شد که  
 الحمد لله در طهران دو شیره کان را چنین دستا  
 که در کمال است تحصیل فضائل عالم انسانی میفایند  
 و در نظر عنایت حضرت احدیت تربیت میشوند تا آنکه  
 صفاتی نساء در میدان کمال همچنان رجال شوند  
 تا بحال در ایران اسباب ترقی نسوان نبود از هر  
 ترقی بی بهره بودند ولی الحمد لله که از یوم طلوع  
 صبح همدی روز بروز نساء در ترقی هستند و امید  
 چنانست در خصائص و فضائل و تقرب بارگاه کبریا  
 و ایمان و ایقان سبقت گیرند و نساء شرق عنطه  
 نساء غرب شوند الحمد لله تو مرید بخیر می روی  
 این بود بسیار رحمت و مشقت میکشی و همچنین  
 معلم مدرسه بیس لیلیان کاپس با و در نهایت  
 مهربانی از قبل من ابلاغ دار و عليك البهاء الأبری  
 عبد البهاء عباس

مریم فاطمه طاهره هر چند بظاهر فقیر بودند لکن  
 بر سر عزت ابدی استقرار نمودند پس ثابت  
 شد که - خانهای عزیز عالم کثیر شدند و کثیران  
 جمال مبارک نجر عزیزان گردند - پس شکر  
 نمایند که الحمد لله بامتان تقدس منسوب و در  
 همه کیزان الهی محسوبید

### تنهائی

روح مبارك برای یکی از اجای ابریکاه شکایت  
 از تنهائی نموده

والله

ای مؤمن بالله! نامه ات رسید از تنهائی شکایت  
 نموده بودی بخون باش تنهائی بیقی زیرا خدا  
 همدم و معاون تو است تنهائی نفسی است که از  
 خدا غافل است و اما اگر از خدا باخبر باشی و او  
 در صحرائی وسیع بی آب و علف باشد تنهائی  
 نیست خدا با او است این جهان خاک همیشه  
 آسمانش پرغبار است و پوشیده با برسیاه گری  
 بعد است گری بر قات گری تنگ است  
 گری برف است گری طوفان است گری سیل  
 شدید از کوهها تو گمان مکن که این بلاد او  
 مصائب عصر در تو است فی الحقیقه جمیع خلق  
 در عذابند تا باین جهان دل نبندند آسیر  
 و راحت در جهان آری طلبند و موهبت ملکوتی  
 جویند پس تو دل خوش دار و مستبشر باش  
 الهی باش و عليك البهاء الأبری  
 عبد البهاء عباس

نجم باختر: از جمله بیانات مبارک در خصوص  
 تعلیم دختران شرق در زمان مکی و در زمان  
 حاضر اینست :-  
 « سابق دختران را از تعلیم و سواد منع  
 میکردند و آنها را در خط و سواد آموختن گناه  
 میدانستند حتی اگر ترقی سواد داشت او را  
 کفر میگفتند اما بعد از اثر قالیم جمال مبارک  
 اجای الهی جمیع اوقات خود را صرف تربیت اولاد  
 خویش نمودند تا حال که مدارس در ایران جهت  
 تعلیم دختران تاسیس نموده اند »

### ایمان سبب عزت زنان

در یکی از الواح میفرمایند : و خصوص زنان مؤمن  
 و غیر مؤمن :-  
 « در خانهای عالم چون از حق بحقیب کثیران شدند و کثیران  
 جمال مبارک بالطاف جمال قدم خانهای عالم گشتند  
 و برهان بر این ملکه ایران شیرین و ملکه دیگر سودا  
 بدایت و اینرا بیلا ملکه آسیا یا که عباسی او کشف  
 و فتح امریکاشد حتی امیران و فرانسها اجنبی اینها  
 با خاک یکسان گشتند و غیرت بودند کثیر شدند شهر  
 بودند اسیر خاک سیاه گشتند کمن آیه سارا

نجم باختر : از عجب اتفاق در وقتیکه سواد این  
 روح مبارك به مجلس بهائیان شکافتند و رسید یکی از بزرگان  
 این آیه مبارکه از کلمات مکتوبه مکتوبه فرموده الاطی

### در ای حال متحرك

من بتوما نوسه و فوانین مایوس سیف عین شجره لیدترا  
 بریده و در جمیع حال تیوزدیکم و توجده جمیع احوال از من دور  
 و من عنیت بیزوال برای تو اختیار نمودم و تو دولت  
 بوختی برای خود پسندیدی آخر تا وقت باقی  
 مانده رجوع کن و فرصت را نگذار

Handwritten text in Persian script, likely a dedication or a religious inscription, written in a cursive style.



## مختصر حیات آقا سید صادق

حب و نسب ایشان از خدیجه محمد المصطفی علیه السلام شیخ  
سادت آن مرحوم بیست و هشت پشت تا امام جعفر  
الصادق وطن ایشان اصهبان ساکن طهران سن ایشان  
هشتاد و دو سال صنعت ایشان نقاشی اول تبر ساز در  
ایران اغلب صنعت ایشان در تبر کایا شد شب سه  
شنبه بیست و هشتم شهری الحجه پنج ساعت و نیم از شب  
گذشته بنا خوشی کنه مرغ و وحش از این دلفرانی  
پرواز بملکوت الله نمود این پرواز آزادی او بود

زوجه ایشان صبیله مرحوم آقا میرزا محمد حنیف مجتهد  
اصهبان دختر عموی ایشان و رقم مقدمه محترم ناسره  
نجات الله فائزه خانم روحی خدماتها الفداء موقر  
و مؤمنه و جانفشان این امر الله هستند و آن مرحوم توقف  
در امر حضرت بهاء الله داشتند تا آنکه بواسطه زوج  
خود کاغذ سفیدی فرستاد حضور مبارک حضرت

عبدالبهاء و نیاتی در قلب نگاه داشتند مطالب قلبیه  
ایشان را فرمودند او تصدیق کرد و با فائزه خانم  
شرف حضور حضرت عبدالبهاء شدند چند ماهی مورخ  
عنایات بی نهایت بودند تا آنکه در حین حرکت فائزه خانم  
و مرحوم آقا سید صادق را احضار فرمودند بعد  
از عنایات و نضایح و شفقت و مهربانی حضرت  
عبدالبهاء فرمودند: "جناب آقا سید صادق  
من عیال ترا لقب داده ام باید تبلیغ کنی و در خدمت  
امر الله باید سعی باشد تو باید با او همی کنی"  
آقا سید صادق با فائزه خانم حج کردند که آنچ  
ما داریم را از ملکی نزد سلیمان بردن است قبول فرمایند  
حضرت عبدالبهاء قبول فرمودند و پس از چند سال  
تمام را با سر حضرت عبدالبهاء فروختند و بمشرق لاذکاء  
عشق آباد دادند. این مرد مؤمن در این ظهور اعظم  
مال و عیالش را براه خدا داد برضایت او فائزه خانم

حجاب برداشت و شب و روز در بیداری و قری  
به تبلیغ مشغول بوده و همت و آن مرحوم بنام  
جان باو همراهی میکرد و بعد از نوزده سنه خدمت  
در این سال در عریضه بحضور حضرت عبداللہ  
عرض کرد کہ - بترسم امتحان مرا اخذکنید چا  
میکم کہ مرا مثال میثاق از این دار فانی مخصوص  
لوی نازل و بشارت ملکوت بر من فرموده بودند دو  
ماه بود کہ بھر کس از احباب و اغیار رسیدہ گفت :-  
من بمیرم یا خوشی میکنم -

سال گذشتہ در ماه صفر روضہ خان ہا  
کاروانسرای ایشان در شیر با او خوش و لعن بسیار  
کرده بودند کہ حضرت عبداللہ در لوج اورا تعلق  
میزنایند و در ماه رمضان در مسجد شاہ با شیخ  
کہ باین امر بد میگفت طرف شدہ بود بنوعیکہ  
ہجوم آورده بودند اورا بقتل رسانند بعضی از  
احباب اورا زد کردند . اولاد صلی داشتند ولی  
چند طفل وضع بی پدر و مادر نجات کشیدند و بعد  
فرستادند ہر کدام در سردان جات مشغول خدمت  
ہستند . بسیار وجود بختری بودند بلند طمت  
موتش اخلاق در آن نفس آخر گفت :-

یا حضرت عبداللہ! مرا راحت کن  
الحمد لله کہ بمنہی آرزوی خود نائل گشت!

لوح مبارک

لوح قبولی اسوال مرحوم آقا سید صادق و فائزہ خانم

هو الله  
وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ  
حجاب آقا سید صادق و ورقم موقر فائزہ علیہا  
بہار الله الابی از روز ورود باین ارض  
بقعہ مبارکہ تا وقت مراجعت مضار التماس این  
مزدند کہ آنچه تعلق بایشان دارد از اموال  
واملاك و عقار این عبد قبول نماید الی الآن  
این عبد از نفسی نحوستم قبول نمایم ولیکن  
از ایشان نظر بالتماس زیاد قبول شد  
ع

لوح مبارک

ان لوج مبارک بعد از فروختن اموال و مشرق الاذکار و...

نازل شد .

هو الله  
هو ان الله المنجذب فائزہ علیہا بہا الله  
هو الله

ای ورقم مجذوب نامہ های مفصل و اصل و مضامین  
سبب سرور قلب حزی گشت زیرا تفصیل فروش  
خانہ خویش بود کہ بجهت مصارف مشرق الاذکار  
اتفاق نمودید مشرق الاذکار عشق آباد در  
چنین وقت نہایت اہمیت را داشته و دار  
زیر در حالتی کہ موج بلا باوج رسیدہ و تمکرات از  
ہر کنار تیر و تیغ دوا داشته اند بقعہ مبارکہ مضطرب  
و قلوب ملتہب و نفوس مجذوب در چنین وقت  
و حالتی عبداللہ در فکر ارتعاع بقعہ مشرق الاذکار  
است و شب و روز مستغرق در این افکار لهذا  
باطراف سرقوم شد کہ آنچه تعلق باین عبد  
دارد جمیع را بفروشد و مبلغ را بمشرف  
الاذکار برسانند چون شما همی نمودید و لایم  
و آشیانہ خویش را فروختید و اتفاق در این  
امر مهم نمودید این کار فرح قلوب ابرار  
است و شادمانی دلہای احرار از فضل قدیم  
دب کردیم امید عظیم است کہ در مقابل  
این خدمت در دو جہان کامرتدا و فریاد  
و در ملکوت ابھی مقبول در گاہ کبریا نماید

فبمثل هذا فلیعمل العاملون

حضرت فاضل و حجاب صادق را تحت ابرع  
ابھی ابرع نما و كذلك سایر و رقاب  
طیبات را و علیک النیة و الثناء ع

الحمد لله قول و فعلتان باہم یکی بود  
مشہادت کل بہائیان .  
غلام دستگاہ بہاء و عبداللہ  
سید مہدی سپر محوی آقا سید صادق  
برادر فائزہ خانم

نجیر اختر : خوشحال فائزہ خانم کہ چنین صادق  
یافتند و خوشبختی آقا سید صادق کہ چنین فائزہ

# گلدان اوضه مبارکه

احیای امریک نیام و یادگاری سفر مبارک حضرت  
عبدالباقی به مالکشان گلدانی از معدن بروین  
که مثل در دنیا ندارد و در صنعت از هر جهت  
مکمل ساخته حال منتظرند که ابواب مفتوح  
گردد تا این گلدان جلیل که عکسش در دست  
فارسی این شماره چاپ کردیم ارسال حصه  
نمائید تا در حصه مبارکه گذاشته شود

## اعلان

تجیم باختر به عموم حضرات مشترکین کرام  
خبر میدهد که سال پنجم منتهی شده و بیاضی  
که تا بحال قیمت اشتراک این سنه را و سال  
گذشته از اکثر مشترکین مزید یقین است  
که بواسطه این جنگ دنیا طرف موصلات  
و ابواب مراسلات منقطع شده لهذا جز  
تشتب بزیل صبر چاره نداییم ولی امیدواریم  
که در آینده هر وقت ابواب مفتوح شود و خبر  
ابونه سال گذشته را ارسال فرمائید و در  
اداره کافی السابق است:-

*Bahai News Service*  
P.O. Box . 283.  
Chicago, Ill. U.S.A.

اهالی ایران برات شهنشاهی حواله کنند  
وا اهالی روسیه و ترکستان اگر فایده  
در اینجا صرف میشود . فقط احسن مدیر  
تمت فارسی این جریه تغییر شده از این  
*Dr. Zia M. Bagdad*  
1549 Ogden Ave.  
Chicago, Ill.  
U.S.A.

بر عموم قراء کرام مخفی نباشد که اگر بقاء و دول این  
جریه عالم به آف بخوانند و با طرف شرق و غرب  
کاینجی منتشر گردد باید عدد مشترکین روز بروز  
ببیشتر آید و در ارسال قیمت اشتراک توقف فرمائید  
کل عام واحیاء الریحان سلون .

داشتند . در حق این مرحوم و کل من حل الی  
دار البقاء این زیارتنامه مبارکه میخوانیم .  
هو الله

علیکم ایها النجود الزاهر والبدور الباهر  
والشموس الساطعه النجیه والثآء من ربکم  
الرحمن الرحیم والنور المنلأ من المکوت  
الابری تعشی اجداکم الطاهر ومضاحکم الساطع  
الآیة الأنوار علی مشارق الأرض ومغاربها  
اشهد بانکم ترکتم الهوی وانجتم الهدی وسمتم  
النداء وخرتم من الکاس الانیق الطافه رحیق  
حبه الله وآوتتم الی الرکن الشدید ودخلتم فی المکوت  
المجید وحلتم الباس الشدید وجاهدتم بالأموال  
والأنفس فی سبیل ربکم المجید واتخذکم سکنه الصباء  
ورفختکم مدامه الحب والعرفان الخان سرتم الی  
شهد العذراء وآثرتم علی انفسکم اهل الفقر  
والفناء فاحمدت التیاء من شجانتهم علی وجه  
الغبراء وما اتخذکم لومة لائم فی سبیل الله  
بل وجههم وجوهکم للذی فطر الارض والسماء و  
اقتدیتم بالمد الأعلی واهتدیتم الی مرکز الانوار فی  
مکوت الأسرار واستفرقتهم فی عمار الأشراف  
وفرتم بأعظم منة الأبرار وثلتم جوار الرحمة  
الکبری عند العزیز الغفار

رحم الله من زار قورکم العصور واستبرک  
بمضاحکم المنفردة بجلل النور وناجی فیها ربه  
العزیز العفود ونمی برکتکم الساطع النور  
علی کل عبد صبور وشکور وعلیکم البقاء الابری  
عبدالباقی عباس

زیارتنامه مبارکه فوقه در حق شهدای اروکان  
صدور یافته .

## کتاب تبریع الآثار

اسفار وولایات الخیار الی مالک العرب بالعزرة والهدار  
اشخله خباب فاضل اقامیرزا محمود زرقانی  
هرکس بز کتاب جدید را بخواند از عمری بطیور ادب اینست  
محبوب الی الله فزولینو پیر سائلی شریف عینی